

## حقوق زنان، سیر تحول و پیشرفت آن: ارزیابی ما و شما

هاجر سیاه‌رستمی\*

### دیباچه

در میان مسایل و موضوعات گوناگون حقوق بشری، مسئله حقوق زنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این اهمیت به اندازه‌ای است که از آغاز طرح مسئله حقوق بشر به صورت نهادینه، یعنی از قرن بیستم، همواره مسئله حقوق زنان همراه و همگام با آن مطرح و پیگیری شد و تا آنجا پیش رفت که در سازمان ملل متحد – که دومین گام در راستای همکاری منسجم و فراملی دولتها بود – در کنار کمیسیون حقوق بشر، کمیسیونی هم با عنوان کمیسیون مقام زن تأسیس شد تا به پیگیری مسایل مربوط به وضعیت زنان بپردازد.

این حقیقت در عین حال که نشان دهنده تلاش و جدیت جنبش جهانی زنان برای دستیابی به یک وضعیت حقوقی دادگرانه است، این معنای تلخ را هم دارد که نابرابری نسبت به زنان دردی است که همه زنان جهان از آن رنج برده و می‌برند. این درد گرچه به همت جنبش زنان تا اندازه‌ای التیام یافته است اما هنوز درمان نشده است و تلاش زیادی لازم است تا به کلی ریشه کن شود.

\* دانشجوی دکترای تخصصی حقوق بین‌الملل، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی.  
(h17e@yahoo.com)

این نوشتار با در نظر داشتن مفروض بالا به بررسی این پرسش کلیدی می‌پردازد که جامعه بین‌المللی از آغاز قرن بیستم تا کنون چه تمهیداتی برای ارتقای وضعیت حقوقی زنان اندیشیده و چه اقداماتی در این زمینه به عمل آورده است؟ و موضع دولت نسبت به این اقدامات چه بوده است؟

مطالعات پژوهشگر این فرضیه را شکل داده است که تلاش زنان فعال در عرصه بین‌المللی از آغاز قرن بیستم و در حقیقت از هنگام پایه‌گذاری جامعه ملل تا کنون اثرات مثبتی در بهبود وضعیت حقوقی زنان داشته است. دستاورد این تلاش انعقاد ده‌ها پیمان‌نامه و سند بین‌المللی و پایه‌گذاری چندین کمیته و کمیسیون است که همگی برای بهبود وضعیت زنان تأسیس شده‌اند. برای آزمون این فرضیه در این نوشتار اسناد و پیمان‌نامه‌های بین‌المللی مربوط به زنان به ترتیب سالهای تصویب آنها همراه با جریان بین‌المللی که این اسناد برآیند تلاشهای این جریان بوده‌اند بررسی می‌شوند. همچنین نهادهای بین‌المللی مسئول نظارت بر وضعیت زنان، اساسنامه و سند پایه‌گذاری و شیوه عملکرد آنها مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

همچنین وضعیت حقوقی زنان در ایران در مقایسه با این اسناد، به ویژه کنوانسیون ریشه‌کنی هرگونه نابرابری علیه زنان، بررسی می‌شود و موارد تعارض و تضاد مقررات کنوانسیون با قوانین جمهوری اسلامی ایران بررسی می‌شوند، هرچند که موضع ایران نسبت به این اسناد و همچنین قوانین و مقررات داخلی ابداً دلگرم‌کننده نیست و اقداماتی که در سالهای اخیر به قصد بهبود وضعیت حقوقی زنان انجام شده‌اند، نتایج قابل توجهی نداشته‌اند.

این نوشته دستاورد تدریس نویسنده در درسی با عنوان «اسناد بین‌المللی مربوط به زنان» در دو دوره آموزشی با عنوان «توانمندسازی زنان برای حضور در مجامع بین‌المللی» است که با همکاری مشترک مرکز مشارکت امور زنان ریاست جمهوری و دانشکده وزارت امور خارجه برگزار شد و نویسنده امیدوار است که این پژوهش با سلسله پژوهشهای جامعی در موضوع حقوق زنان و تطبیق آن با استانداردهای جهانی حقوق زنان ادامه یابد.

امید می‌رود خواننده با مطالعه این پژوهش بیش به نسبت جامعی راجع به سیر تحول مسئله حقوق زنان در سطح بین‌المللی پیدا کرده و در نهایت بتواند خود مستدلاً در مورد لزوم و ضرورت الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون منع نابرابری علیه زنان نظر بدهد.

### ۱. دوران پس از جنگ جهانی یکم و اقدامات انجام شده در دوران جامعه ملل<sup>(۱)</sup>

پایه‌گذاری جامعه ملل سرآغاز همکاری سازمان یافته و نهادینه دولتها به صورتی بی سابقه بود. این امر نخستین گام در سیاست خارجی مشترک میان دولتها به سمت اهداف جهانی و فرا ملی - مانند صلح و امنیت - به جای دفاع هر دولت از منافع خود در برابر دیگران بود. زنان به سرعت اهمیت این همکاری را دریافتند و دلایل موجهی برای علاقه مندی به آن داشتند. نخست، هدف همه همکاریهای بین دولتها پایان دادن به جنگ و خشونت و حل اختلافات از طریق گفت‌وگو بود که با آرزوی زنان به تحقق صلح مطابقت داشت. دومین دلیل تعهد زنان به همکاری بین دولتی باور راسخ آنها به این حقیقت بود که پیشرفت زنان در کشورهای مختلف نیازمند سیاستهای دولتی و دادن فرصتهای دموکراتیک به زنان برای تأثیر گذاری بر این سیاستها است. زنانی که برای تحقق صلح کار می‌کردند در ماورای مرزها به هم پیوستند و شانس درخشانی برای توانمند سازی خود در این شکل جدید از همکاریهای بین دولتی یافتند.

شاید عینی‌ترین مثال برای توانایی زنان برای تأثیر گذاری در سطح بین‌المللی، تأسیس کمیته کارشناسان وضعیت حقوقی زنان<sup>۱</sup> بود. این کمیته که از سوی جامعه ملل در سال ۱۹۳۷ پایه‌گذاری شد اجازه داشت به تحقیق و بررسی در مورد وضعیت حقوقی زنان در کشورهای مختلف جهان بپردازد. وقتی کار این کمیته شروع شد، جنگ جهانی دوم آغاز شد. اما کار آن گام مهمی به سمت قراردادن حقوق زنان در دستور کار همکاریهای

1. Committee of Experts on The Legal Status of Women (IACW)

بین‌المللی بود. کمیته همچنین جانشین کمیسیون مقام زن<sup>۱</sup> بود که بعدها توسط سازمان ملل متحد پایه‌گذاری شد.

مطالعه اینکه چگونه سازمانهای بین‌المللی زنان که آمادگی خوبی داشتند درست پس از نخستین جنگ جهانی بر جریانهای بین دولتی تأثیر گذاشتند شگفت‌انگیز است. این سازمانهای بین‌المللی که هنوز هم خیلی جوان هستند از آغاز قرن بیستم و در طول نخستین جنگ جهانی شروع به ظهور کردند.

### زنان در کنفرانس ۱۹۱۹ صلح ورسای

پس از پایان جنگ جهانی یکم، نمایندگان دولتها در کنفرانسی که در سال ۱۹۱۹ در پاریس تشکیل شد گرد هم آمدند تا جامعه ملل<sup>۲</sup> و سازمان بین‌المللی کار<sup>۳</sup> را پایه‌گذاری کنند. نمایندگانی از سازمانهای بین‌المللی زنان هم در این کنفرانس حضور داشتند تا پیشنهادهای خود در مورد میثاق جامعه ملل را ارایه داده و نگذارند زنان از جریان تصمیم‌گیری و قانون‌گذاری کنار گذاشته شوند.

در این زمینه زنان نهادی<sup>۴</sup> را پایه‌گذاری کردند که هیئت نمایندگی آن حق مشارکت در برخی کمیسیونهای کنفرانس صلح را داشت. این هیئت که زمینه ملاقات نمایندگان ۱۴ دولت متفق را فراهم کرده بود، سریعاً درخواست کرد که به زنان امکان دستیابی به جایگاه تصمیم‌گیری در جامعه ملل داده شود. این هیئت همچنین پیشنهادهایی در مورد مسایلی که تمایل داشت در برنامه جامعه جدیدالتأسیس گنجانده شود، ارایه کرد. آنها پیشنهاد کردند که جامعه ملل برای ترویج حق رای برای زنان بین دولتهای عضو، اقداماتی برای شناسایی حق حفظ تابعیت زنانی که با خارجیان ازدواج می‌کنند، برانداختن داد و ستد زنان و کودکان و از بین بردن فحشای دولتی تلاش کند. به علاوه آنها خواستار ایجاد یک دفتر بین‌المللی برای آموزش بهداشت و کنترل و کاهش تسلیحات شدند.

---

1. Commission on The Status of Women (CSW)  
 2. The League of Nations  
 3. International Labor Organization  
 4. Inter-Allied Suffrage Conference

بر مبنای همین پیشنهادها میثاق جامعه ملل اعلام کرد که دولتهای عضو باید شرایط انسانی کار برای مردان، زنان و کودکان به وجود آورده و همچنین از داد و ستد زنان و کودکان جلوگیری کنند. همچنین در میثاق جامعه ملل ذکر شد که کلیه موقعیتهای شغلی جامعه ملل از جمله دبیرخانه، باید به نحو یکسانی برای مردان و زنان در دسترس باشد. همزمان وقتی که پیش‌نویس اساسنامه سازمان بین‌المللی کار تنظیم می‌شد زنانی از اتحادیه‌های بازرگانی انگلیسی و امریکایی در حال فعالیت بودند. آنها خواستار هشت ساعت کار روزانه، پایان دادن به کار کودکان، تامین اجتماعی، حقوق بازنشستگی و زایمان، پرداخت مزد برابر به زنان و مردان، همچنین پرداخت دستمزد برای کارخانه بودند. پیشنهادهای آنها مؤدبانه پذیرفته شد، اما سریعاً و به شدت مسکوت گذاشته شد. با این وجود، تلاشهای زنان منجر به آن شد که در اساسنامه سازمان بین‌المللی کار به شرایط مناسب و انسانی برای کار زنان، مردان و کودکان اشاره شود. البته تلاش زنان برای رسیدن به هدفهای دیگر ادامه یافت هرچند برخی از اهداف هنوز حاصل نشده بود.

### سازمانهای مردمی و همکاری بین دولتی

پس از پایه‌گذاری جامعه ملل و سازمان بین‌المللی کار، نمایندگان سازمانهای زنان شروع کردند به اینکه به طور منظم بر جریان و کار سازمانهای بین دولتی نظارت کرده و پیشنهادهای خود را به نمایندگان دولتها ارایه دهند. آنها کمیته رابط سازمانهای بین‌المللی زنان<sup>۱</sup> را تأسیس کردند که تبدیل به «صدای زنان» در ژنو شد. سازمانهای زنان در طول دهه بیست و سی (سالهای ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰) تلاش کردند کاری کنند که زنان و حقوقشان نادیده گرفته نشود. جامعه ملل هیئتی را برای حمایت حقوقی بین‌المللی از حقوق بشر گروه‌های اقلیت خاص تأسیس کرد.

این نقطه آغاز گفت‌وگو میان سازمانهای غیر حکومتی بین‌المللی (INGO) و سازمانهای بین حکومتی جامعه ملل (IGO) بود. پیشگامان این گفت‌وگو - که بعدها با سازمان ملل هم ادامه یافت - برخی سازمانهای بین‌المللی زنان مانند شورای بین‌المللی زنان (ICW)، اتحادیه

1. Liaison Committee of Womens International Representatives

بین‌المللی زنان (IAW)، تعاونی بین‌المللی صنف زنان (ICWG)، فدراسیون بین‌المللی زنان متخصص و تاجر (IFBPW)، فدراسیون بین‌المللی زنان دانشگاهی (IFVW)، انجمن جهانی زنان جوان مسیحی (WYWCA)، اتحادیه بین‌المللی زنان برای صلح و آزادی (WILPF) بودند. هرچند این سازمانها، که اصولاً در اروپا و ایالات متحده قرار داشتند، اهداف و اولویتهای کاملاً متفاوتی داشتند اما همگی آنها معتقد بودند که جامعه ملل وسیله مهمی برای اصلاحات اجتماعی و سیاسی به ویژه پیشبرد وضعیت زنان است. این سازمانها تقریباً نماینده ۴۵ میلیون زن بودند اما رهبری آنها در دست معدودی از زنان امریکایی، انگلیسی و اسکانندیناویایی از طبقات متوسط و بالاتر بود که منظمأ در لندن یا ژنو ملاقات و کار بین‌المللی زنان را هماهنگ می‌کردند.

اتحادیه‌گرایان تجاری زنان امریکایی با الهام از پایه‌گذاری سازمان بین‌المللی کار، نخستین کنگره بین‌المللی زنان شاغل را در سال ۱۹۱۹ در واشنگتن DC با همکاری زنانی از اتحادیه‌های تجاری اروپا برگزار کردند. فدراسیون بین‌المللی زنان شاغل<sup>۱</sup> در این کنگره پایه‌گذاری شد و تصمیماتی در مورد یک رهیافت هماهنگ ناظر به مسایل زنان در کنفرانسهای سالانه زنان شاغل گرفته شد. تلاش سازمان بین‌المللی کار در پیشبرد مقررات کار در سالهای آغازین دهه بیست (سالهای ۱۹۲۰)، با مشارکت فعال زنان از آغاز بازار گرمی داشت.

در سال ۱۹۱۹ در پاریس معدودی از سازمانهای بین‌المللی تازه تأسیس زنان نخستین کنفرانس سازمانهای غیر حکومتی را برگزار کردند که مشابه یک کنفرانس بین دولتی بود. هدف از این کنفرانس موازی این بود که کاری کند تا صدای زنان در مباحثات دولتی شنیده شود. این هدف حاصل نشد تا ۲۵ سال بعد و تأسیس سازمان ملل متحد که در آن برخی پیشنهادها ارایه شده در سال ۱۹۱۹ توسط زنان به گوش دولتها رسید. از جمله نخستین پیشنهادهای زنان سازمان دهی همکاریهای بین‌المللی در زمینه‌هایی مانند آموزش و مراقبتهای بهداشتی بود، اما جهان تا سال ۱۹۴۶ منتظر ماند تا شاهد تأسیس سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (UNESCO) و سازمان بهداشت جهانی (WHO) توسط

1. International Federation of Working Women (IFWW)

سازمان ملل متحد برای پرداختن به این مسایل باشد. زنان همچنین تقاضاهایی در مورد خلع سلاح و کنترل تسلیحات داشتند. مسایلی که از عناصر اساسی کار سازمان ملل از آغاز قرار گرفت.

برای خلاصه کردن روابط بین سازمانهای زنان و جامعه ملل، می‌توان به دو دستاورد پیشگامانه اشاره کرد: نخست، زنان مدلی برای همکاری و تعامل میان سازمانهای حکومتی و غیر حکومتی ایجاد کردند. پیش از آن تنها رؤسای دولتها - وزرای امور خارجه و دیپلماتها حق داشتند در کنفرانسهای بین دولتی شرکت کنند. اما زنان خواستار حق دستیابی به ملاقاتها در کنفرانسها و اسناد رسمی و حق انتشار بیاناتشان در کنفرانسها و تعامل با هیئتهای نمایندگی رسمی شدند. نخستین بار این حق در کنفرانس جهانی خلع سلاح که توسط جامعه ملل در ۱۹۳۳ برگزار شد به زنان داده شد. دوم، سازمانهای بین‌المللی زنان از طریق پیشنهادهای ساخته و پرداخته توانستند آنچه را که مسایل زنان نامیده می‌شد در دستور کار همکاریهای بین‌المللی قرار دهند. به تعبیر دیگر مسایل مربوط به وضعیت زنان دیگر فقط جنبه داخلی نداشتند بلکه تبدیل به مسایل بین‌المللی شدند. این اصل هنگامی در جامعه ملل تثبیت شد که در بسیاری از دولتهای عضو آن، زنان حتی از حقوق سیاسی بهره‌مند نبودند و به عنوان دیپلمات پذیرفته نمی‌شدند.

فعالتهای سازمانهای زنان در آن زمان را می‌توان با کنفرانسهای گسترده سازمانهای غیر حکومتی در ارتباط با کنفرانسهای جهانی اخیر ملل متحد مقایسه کرد. در دهه‌های اخیر، کنفرانسهای موازی سازمانهای غیر حکومتی تبدیل به یک ویژگی دایمی در ارتباط با کنفرانسهای جهانی سازمان ملل متحد شده و هزاران نفر را از سراسر جهان برای نظارت بر وقایع بین حکومتی گرد هم می‌آورد. این گردهماییهای مردمی به مسایلی که گروههای فعال از سراسر جهان می‌خواهند توجه عموم را به آنها جلب کنند عمومیت داده و آنها را علنی می‌کنند. مراسم سازمانهای غیر حکومتی که مشابه با کنفرانسهای ملل متحد در مورد مسایل زنان هستند بیشترین مشارکت را جلب کرده‌اند.

## پیشگامی زنان امریکای لاتین

زنان امریکای لاتین در کنفرانس بین‌المللی کشورهای امریکایی سال ۱۹۲۸، نقش مؤثری در ایجاد کمیسیون بین امریکایی زنان<sup>۱</sup> که نخستین نهاد بین دولتی برای پرداختن به مسایل مربوط به وضعیت زنان بود، ایفاء کردند. IACW تشکیل شد و دولتهای عضو آن در سال ۱۹۳۳ کنوانسیون مونته ویدیو در مورد تابعیت زنان متاهل را تصویب کردند. این نخستین کنوانسیون دولتی بود که به مردان و زنان وضعیت برابری در مورد تابعیت می‌داد. در سال ۱۹۳۵، جامعه ملل این کنوانسیون را تأیید کرده و از همه دولتهای عضو خواست که آن را به تصویب برسانند.

IACW همچنین اعلامیه لیما در مورد حقوق زنان را در سال ۱۹۳۸ تنظیم کرد. در همین زمان IACW دولتهای عضو خود را تشویق کرد تا دفتر زنان تأسیس کنند، در قوانین مدنی تبعیض‌آمیز خود تجدید نظر کنند و ابتکارات زنان در مورد این مسایل را به جامعه ملل منعکس کنند.

## اهداف صلح‌جویانه و فمینیستی

گرچه اهداف صلح‌جویانه دستیابی به صلح و خلع سلاح دلایل مهم حمایت زنان از جامعه ملل بودند، اما اهداف فمینیستی - که جوهره آنها شناسایی برابری برای زنان بود - هم دارای اهمیت بسیار بودند. از این دیدگاه تأسیس کمیته کارشناسان وضعیت حقوقی زنان فی نفسه یک پیروزی بود. ثابت شده بود که تضمین برابری بین زنان و مردان بهبود وضعیت زنان مسایلی نیستند که بتوان آنها را فقط به دولتها واگذار کرد. تلاش زنان در آن روزها انجام کاری سیستماتیک برای متقاعد کردن جامعه ملل به تنظیم و تصویب یک کنوانسیون بین‌المللی در مورد حقوق برابر بود.

وقتی که زنان دریافتند دسترسی به اهدافشان در سطح ملی در کشورهای خودشان بسیار کند یا غیر ممکن است، مسایلشان را به سازمانهای بین دولتی بردند. همکاری در این سازمانها اغلب منجر به صدور قطعنامه‌ها و توصیه‌ها، یا حتی کنوانسیونهای بین‌المللی،

1. Inter-American Commission of Women (IACW)

می‌شد که بسیار پیشرفته‌تر از آنهایی بود که در سطح ملی تصویب می‌شد. سپس این اسناد بین دولتی توسط زنان برای وارد کردن فشار به دولت‌ها و قانون‌گذاران به منظور تصویب و اجرای قوانین منطبق با آنها در کشورهای خود به طرز مؤثری مورد استفاده واقع می‌شد. گرایش جامعه ملل به فعال کردن زنان مبتنی بر درک این مطلب بود که زنان تقریباً در همه کشورهای عضو، گروه فشار و حامی ارزشمندی برای جامعه ملل هستند. از سوی دیگر زنان، جامعه ملل را عرصه‌ای جدید و قدرتمند برای پیشبرد اهدافشان یعنی صلح، حقوق بشر و تساوی زنان در همه کشورها تلقی کردند. بنابراین به خاطر دیپلماسی زیرکانه و مقاوم زنان، جامعه ملل خیلی زود باعث پیشرفت اغلب دولتهای عضو در رابطه با مسایل زنان شد.

## ۲. پایه‌گذاری سازمان ملل و تصویب منشور ملل متحد در سال ۱۹۴۵

### زنان بنیانگذار ملل متحد<sup>(۳)</sup>

با شروع جنگ جهانی دوم حیات جامعه ملل پایان یافت. اما کارهایی که در زمان حیات آن انجام گرفت، بی ارزش و بیهوده نبود. تاریخ نشان می‌دهد که مبانی و مدل‌های همکاری بین دولتی که توسط جامعه ملل ایجاد شد، مبنایی استوار را شکل داد که براساس آن سازمانی جدید - یعنی سازمان ملل متحد - که پیشتر در طول جنگ توسط متفقین طراحی شده بود ساخته شد. در طول حیات جامعه ملل نمونه‌هایی هم برای همکاری میان سازمانهای بین‌المللی غیر حکومتی و سازمانهای بین دولتی ایجاد شد. به علاوه، آنچه که مسایل زنان نامیده می‌شد مشهود و علنی گردید و شروع کرد به اینکه هر چه بیشتر در دستور کار جامعه بین‌المللی قرار گیرد. به خاطر فعالیتهای زنان در دهه‌های بیست و سی، تعداد بسیاری از زنان در عرصه و شبکه بین‌المللی تجربه و تخصص کسب کردند. زنان عضو هیئتهای نمایندگی رسمی دولت‌ها، نمایندگان سازمانهای زنان و زنان دارای مقامات مهم، در جامعه ملل با هم تماس برقرار کرده و برای پیشبرد اهداف مشترکشان به فعالیت پرداختند.

تجربه زنان در کنفرانس ۱۹۴۵ سانفرانسیسکو که در آن سازمان ملل متحد پایه‌گذاری شد اهمیتی اجتناب‌ناپذیر یافت. در نتیجه، زنانی به عنوان اعضای چندین هیئت نمایندگی دولتی در کنفرانس شرکت کردند: ۴ زن از امریکای لاتین (دومینیکن، مکزیک، برزیل و اروگوئه) به عنوان اعضای هیئت و دو زن از ونزوئلا به عنوان مشاوران همراه هیئت نمایندگی؛ همچنین در هیئتهای نمایندگی کانادا، استرالیا و چین هم زنانی وجود داشتند. در هیئت نمایندگی ایالات متحده ۵ زن به عنوان عضو هیئت و مشاور وجود داشت و دو زن هم به عنوان دستیار هیئت نمایندگی انگلستان شرکت کرده بودند. از بین این زنان، ۴ زن متن منشور ملل متحد را به نمایندگی از سوی دولت‌هایشان امضاء کردند.

### دیدگاه منشور ملل متحد به حقوق زنان

بسیاری از زنانی که در اجلاس سانفرانسیسکو شرکت کردند مسئولیتهای چندگانه‌ای داشتند. مثلاً دو تن از آنها رییس و عضو کمیسیون بین‌المللی امریکایی زنان بودند. آنها خواستار آن بودند که در دیباچه منشور ملل متحد نه تنها بر باور ملتها به «حقوق بنیادین بشر» و «کرامت و ارزش انسان» بلکه بر «حقوق برابر زنان و مردان» هم تأکید بشود. در نتیجه، این عبارت در منشور گنجانده شد؛ و بنابراین نسلهای آینده آن را دارای اهمیت حیاتی تلقی کردند، زیرا منشور ملل متحد از آغاز و در دیباچه خود خواستار برابری و حقوق برابر برای مردان و زنان شد. این حقیقت که چهار ماده در منشور ملل متحد - بند ۳ ماده ۱ و مواد ۵۵، ۶۸، ۷۶ بر حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه بدون تبعیض براساس نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب تأکید می‌کنند، عبارت اولیه مندرج در مقدمه منشور را تقویت می‌کند. همچنین با تلاشهای یکی از بانوان که عضو هیئت نمایندگی استرالیا و از زنان فعال بود اصلی که در میثاق جامعه ملل درمورد برابری زنان و مردان برای استخدام در جامعه ملل آمده بود تکرار شد. ماده ۸ منشور ملل متحد در این مورد می‌گوید:

«سازمان ملل متحد هیچ‌گونه محدودیتی در شایستگی زنان و مردان برای مشارکت در هر شغلی و تحت شرایط مساوی، در ارکان اصلی و فرعی خود برقرار نخواهد کرد».

زنان فعال در آن زمان به این ماده به عنوان دستاورد بسیار مهم دیگری در جهت پیشرفت زنان می‌نگریستند. با این وجود در سالهای بعد زنان با مشاهده نقض این ماده احساس ناامیدی کردند. تنها در آخرین دهه قرن بیستم بود که به این ماده عمل شد و شماری از زنان در مقامات عالی در سیستم ملل متحد منصوب شدند.

کار سازمان ملل با نشست مجمع عمومی در سال ۱۹۴۶ در لندن آغاز شد. مسئله حقوق زنان برای نخستین بار پس از جنگ جهانی دوم در دستور کار این نشست بین‌المللی قرار گرفت. در این نشست سندی با عنوان «نامه سرگشاده به زنان جهان» صادر شد. در این نامه سازمان ملل به این صورت به زنان معرفی شد: «دومین تلاش مردم جهان برای زندگی صلح‌آمیز در یک جامعه جهانی دموکراتیک». این نامه از زنان خواست برای پیشبرد این اهداف در سازمان ملل و کشورهای خودشان فرصت و مسئولیتی مهم اتخاذ کنند. خانم النور روزولت متن نامه را تقدیم مجمع عمومی کرد و از دولت‌ها خواست این نامه را به کشورهایشان ببرند و زنان همه جهان را تشویق کنند تا گامی به جلو بیایند و در کار ایجاد صلح و بازسازی همانطور که در زمان جنگ و مقاومت عمل کردند، سهیم باشند. این نامه نخستین بیان رسمی صدای زنان در سازمان ملل و خلاصه‌ای از نقشی بود که زنان باید در عرصه جدید همکاری و سیاست بین‌المللی ایفا کنند. این نامه یک متن رسمی نبود. با این وجود - چندین هیئت نمایندگی در مورد آن صحبت کرده و از آن حمایت کردند. متن نامه و بیاناتی که ارایه شد ثبت شد و رییس جلسه اعلام امیدواری کرد که مسئله مورد بررسی دقیق قرار گیرد.

### ابعاد جدید سازمان ملل متحد

منشور سازمان ملل متحد سه عنصر اصلی جدید بسیار مهم برای زنان را ایجاد کرد که جزو خصوصیات جامعه ملل نبود.

۱. سازمان ملل متحد علاوه بر وظایف سیاسی، وظیفه داشت «پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی را ترویج کند». یکی از پنج رکن اصلی سازمان ملل متحد یعنی «شورای اقتصادی و اجتماعی» (ECOSOC) برای انجام این امور تأسیس شد. ماده ۶۸ منشور در این رابطه مقرر داشت: «شورای اقتصادی و اجتماعی کمیسیونهایی برای مسایل

اقتصادی و اجتماعی و ترویج حقوق بشر و همچنین هرگونه کمیسیونهای دیگری که برای اجرای وظایفش ضروری باشد تأسیس می‌کند.» تنها کمیسیونی که در ماده ۶۸ به طور خاص به آن اشاره شد کمیسیون حقوق بشر بود. این کمیسیون تأسیس شد و سپس کمیسیون مقام زن به عنوان یکی از کمیسیونهای فرعی آن ایجاد گردید. با این وجود، نخستین رییس کمیسیون فرعی مقام زن، در دومین نشست شورای اقتصادی و اجتماعی سعی کرد شورا را تشویق به صدور قطعنامه‌ای بکند که کمیسیون مقام زن را یک نهاد مستقل اعلام می‌کرد.

تأسیس کمیسیون مقام زن در زیر مجموعه شورای اقتصادی و اجتماعی، حوزه دیگری بود که در مورد آن مجادلات شدیدی در گرفت. همانطور که پیشتر گفته شد کمیسیون مقام زن در جامعه ملل وجود داشت، اما در سازمان ملل متحد برخلاف خواست زنان شرکت کننده در کنفرانس مؤسس سازمان، این کمیسیون در آغاز به عنوان یکی از کمیسیونهای فرعی کمیسیون حقوق بشر تأسیس شده بود. به این ترتیب به رغم اینکه کنفرانس سانفرانسیسکو در سال ۱۹۴۵ موفق به تصمیم گیری در این باره نشد، کمیسیون مقام زن به عنوان یک رکن مستقل کار خود را از ابتدای سال ۱۹۴۷ آغاز کرد.

چرا زنان از آغاز به جای آنکه اهدافشان را از طریق یکی از کمیسیونهای فرعی کمیسیون حقوق بشر تعقیب کنند، خواستار تأسیس یک کمیسیون مستقل مقام زن بودند؟ زیرا آنها نمی‌خواستند وابسته به اقدامات کمیسیون دیگری باشند. آنها معتقد بودند که به وسیله یک کمیسیون متعلق به خود می‌توانند سریعتر از کمیسیون حقوق بشر امور را به جریان بیاورند، چون در کمیسیون حقوق بشر پیشنهادهای زنان در صف دیگر مسایل مختلف حقوق بشری گم می‌شد. اما یک کمیسیون مستقل مقام زن، دستور کار خاص خود را داشت، براساس اولویتهای خود تصمیم گیری می‌کرد و پیشنهادهای و گزارشهای خود را مستقیماً به شورای اقتصادی و اجتماعی می‌داد.

۲. ماده ۵۵ در مورد حقوق بشر می‌گوید: «سازمان ملل احترام و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادیهای بنیادین را برای همه بدون تبعیض از حیث نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب ترویج خواهد کرد.»

۳. برای مشروعیت بخشیدن به رابطه همکاری میان سازمانهای غیر حکومتی و سازمان ملل متحد - ماده ۷۱ چارچوبی را تدارک می‌بیند که در آن سازمانهای غیر حکومتی می‌توانند مقام مشورتی در شورای اقتصادی و اجتماعی کسب کنند. همه سازمانهای بین‌المللی زنان که فعالانه با جامعه ملل همکاری می‌کردند از این فرصت استفاده کردند.

### ۳. پایه‌گذاری کمیسیون مقام زن در سال ۱۹۴۷

#### ترکیب

کمیسیون مقام زن به عنوان بخشی از سیستم سازمان ملل متحد یک نهاد بین دولتی است. این کمیسیون ۴۵ عضو دارد که برای مدت ۴ سال بر حسب توزیع جغرافیایی ذیل انتخاب و معرفی می‌شوند:

۱۱ نفر از آسیا

۱۳ نفر از افریقا

۴ نفر از اروپای خاوری

۹ نفر از امریکای لاتین

۸ نفر از اروپای باختری و ایالات متحده امریکا

کمیسیون هر ساله یک نشست دست کم هشت روزه برگزار می‌کند.

#### وظایف و اختیارات

وظیفه اصلی کمیسیون اعلام استانداردهای جهانی برای برقراری برابری بین زنان و مردان است و مسایلی مانند مشارکت زنان در حیات سیاسی و جریان تصمیم‌گیری، نقش زنان در توسعه، حقوق زنان بر آموزش و اشتغال، و نقش آنها در اقتصاد و حفظ محیط زیست از موضوعات اصلی مورد توجه آن است. وظایف کمیسیون عبارتند از:

۱. به عمل آوردن توصیه‌ها و ارایه گزارشهایی به شورای اقتصادی و اجتماعی در مورد پیشبرد حقوق زنان در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، مدنی و آموزشی؛
۲. انجام توصیه‌هایی به شورا در مورد مشکلات جدی که توجه فوری به حقوق زنان با هدف اجرای اصل برابری حقوق مرد و زن را ایجاب می‌کند؛ و

۳. ارایه پیشنهادهایی در مورد عمل به پیشنهادها و توسعه عملکردها و وظایف خود. وظایف کمیسیون در سال ۱۹۸۷ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی گسترش یافت و فعالیتهایی مانند طرفداری از برابری، توسعه و صلح؛ نظارت بر اجرای تدابیر مورد توافق بین‌المللی برای پیشرفت زنان؛ و بازبینی و ارزیابی پیشرفتهای حاصل در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را در بر گرفت. این توسعه مبتنی بر تجارب و دستاوردهای سال ۱۹۷۵ به عنوان سال بین‌المللی زنان، دهه ۸۵-۱۹۷۶ به عنوان دهه ملل متحد برای زنان و کنفرانس ۱۹۸۵ نایروبی بود.

کمیسیون مقام زن، از آغاز فعالیت خود تاکنون در تماس دایمی با سازمانهای غیر حکومتی بین‌المللی زنان بوده است. این سازمانها کانالی هستند که کمیسیون از طریق آن با زنان دولتهای عضو ارتباط مستقیم برقرار می‌کند. این سازمانها می‌توانند با کسب مقام مشورتی از شورای اقتصادی و اجتماعی به عنوان ناظر در جلسات کمیسیون مقام زن شرکت کرده و به گزارشات و اسناد آن دسترسی بیابند و حتی با تأیید کمیته می‌توانند در نشستها مشارکت کنند. از آغاز فعالیتهای کمیسیون، سازمانهای بین‌المللی زنان بسیار مشتاق بودند که در نشستهای آن شرکت کرده و بر کار آن نظارت کنند. بسیاری از سازمانها نمایندگانی دایمی به کمیسیون فرستادند تا برای مدت طولانی در جلسات شرکت و تخصص لازم را کسب کنند و ارتباط شخصی دایمی با کمیسیون و دبیر خانه سازمان ملل برقرار نمایند.

پیشنهاد مطالبی برای درج در دستور کار کمیسیون اغلب کار دشواری برای سازمانهای غیر حکومتی بود اما سریعاً مشخص شد که آنها چگونه باید در این زمینه عمل کنند. از آنجا که تنها دولتها می‌توانند به عضویت رسمی کمیسیون درآیند پس تنها آنها هستند که از حق انحصاری پیشنهاد موضوع برای درج در دستور کار کمیسیون بهره‌مند هستند. با این وجود نمایندگان سازمانهای غیر حکومتی هم می‌توانند پیشنهادهای خود را از طریق دولتها به کمیسیون ارائه دهند.

در طول سالها شمار فراوانی از موضوعات با ابتکارات سازمانهای غیر حکومتی مطرح شده و به صدور قطعنامه‌ها و توصیه‌هایی توسط سازمان ملل انجامیده‌اند. همکاری بین

نمایندگان سازمانهای غیر حکومتی و دولتها از آغاز بسیار نزدیک و ثمر بخش بوده و هیئتهای نمایندگی دولتها اغلب از پیشنهادهای ساخته و پرداخته سازمانهای غیر حکومتی استقبال کرده‌اند.

#### ۴. تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸

منشور، ایمان ملل متحد را به حقوق بشر اعلام داشت و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ بر این باور صحنه گذاشت. این اعلامیه در ۱۰ دسامبر سال ۱۹۴۸ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. در دیباچه این سند پس از اعلام اعتقاد و باور ملل متحد به حقوق اساسی بشر و کرامت ذاتی انسان، آمده است که «... از آنجا که مردم ملل متحد ایمان خود را به حقوق اساسی بشر و مقام و ارزش فرد انسان و برابری حقوق مرد و زن مجدداً در منشور ملل متحد اعلام کرده‌اند... مجمع عمومی این اعلامیه را آرمان مشترکی برای تمام مردم و کلیه ملل اعلام می‌کند...». سپس متن اعلامیه که مشتمل بر ۳۰ ماده است درج شده است. مواد ۱ و ۲ به بیان باور اصلی حاکم بر اعلامیه اختصاص دارند. ماده ۲ می‌گوید:

«هرکس می‌تواند بدون هیچ‌گونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی، ثروت، ولادت یا هر موقعیت دیگر، از تمام حقوق و کلیه آزادیهایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده بهره‌مند گردد».

در پرتو این اصل کلی که بر اعلامیه جهانی حقوق بشر حاکم است کلیه حقوق مندرج در آن به ویژه حقوقی مانند حق شناخته شدن به عنوان یک فرد در مقابل قانون، حق برخورداری از تابعیت و آزادی تغییر آن، حق آزادی ازدواج، حق مالکیت، حقوق سیاسی، حق اشتغال و دریافت مزد عادلانه برای کار، حق استراحت و تفریح، حق برخورداری از آموزش و پرورش، حق شرکت در حیات فرهنگی جامعه برای زنان هم درست مثل مردان شناسایی و اعلام شد.

گرچه اعلامیه جهانی حقوق بشر یک «اعلامیه» است و لذا اعتبار یک معاهده بین‌المللی را ندارد اما صرف اعلام این حقوق در آن زمان از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بود و زمینه شناسایی حقوق را در بسیاری از کشورها به تدریج فراهم کرد. به علاوه بسیاری از حقوق‌دانان بین‌المللی معتقدند محتوای این اعلامیه امروزه جنبه «عرفی» یافته و بنابراین فارغ از الزامات قراردادی برای دولتها لازم‌الاتباع است.

### ۵. تصویب پیمان‌نامه‌های گوناگون ناظر به حقوق زنان از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۲

#### الف - کنوانسیون مجازات داد و ستد اشخاص و بهره برداری از فحشای دیگران<sup>(۳)</sup>

این کنوانسیون در مجمع عمومی سازمان ملل متحد و در تاریخ ۲ دسامبر ۱۹۴۹ به تصویب دولتها رسید و در ۲۵ ژوئیه ۱۹۵۱ (یعنی برابر با ماده ۲۴ آن، ۱۹ روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق) لازم‌الاجرا شد. در دیباچه کنوانسیون ذکر شد که از آنجا که داد و ستد افراد به قصد فحشا مغایر با شأن و ارزش انسان بوده و آرامش افراد خانواده و جامعه را بر هم می‌زند و با توجه به اینکه در سالهای ۱۹۰۴، ۱۹۱۰، ۱۹۲۱، ۱۹۳۳ و ۱۹۳۷ پیمان‌نامه‌های گوناگونی در مورد منع داد و ستد برده و مجازات داد و ستد زنان و کودکان به تصویب رسیده دولتهای متعاقد این کنوانسیون توافق می‌کنند که هر مورد داد و ستد افراد به قصد فحشاء و وادار کردن دیگران به این امر را ولوبا رضایت آنها، مجازات کنند. این کنوانسیون به امضای ۱۴ دولت و تصویب ۷۴ دولت رسیده است. دولت ایران در ۱۶ ژوئیه ۱۹۵۳ آن را امضاء کرد اما هرگز آن را به تصویب نرساند.

#### ب - کنوانسیون پرداخت مزد برابر به زنان و مردان برای کار برابر

این کنوانسیون در ۲۹ اوت ۱۹۵۱ در کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در ژنو به تصویب رسید و طبق بند ۲ ماده ۶ آن که می‌گوید کنوانسیون ۱۲ ماه پس از اینکه دو عضو سازمان سند تصویب آن را تقدیم دبیر کل سازمان نمایند لازم‌الاجرا خواهد شد در تاریخ ۲۳ مه ۱۹۵۳ لازم‌الاجرا شد. در کنوانسیون آمده است که منظور از پرداخت مزد برابر به زنان و مردان شاغل در مقابل کار برابر این است که تبعیض جنسیتی در مقدار دستمزد حذف بشود. دولتهای عضو کنوانسیون متعهد شده‌اند از طریق قوانین و مقررات ملی،

توافقنامه‌های بین کارگر و کارفرما و مکانیسمهای قانونی تعیین دستمزد، هرگونه نابرابری در دستمزد زنان و مردان را از بین ببرند.

### ج - کنوانسیون حقوق سیاسی زنان

کنوانسیون در تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۵۲ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب دولتها رسید. با توجه به ماده ۶ کنوانسیون که اعلام می‌کند کنوانسیون ۱۹ روز پس از تودیع ششمین سند تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد، در ۷ ژوئیه ۱۹۵۴ لازم‌الاجرا شد. مجمع عمومی در متنی که در توجیه کنوانسیون تنظیم شده آورده است که با توجه به اینکه مردم ملل متحد در دیباچه منشور متعهد به پیشبرد برابری بین زنان مردان شده‌اند و با اعتقاد به اینکه یک کنوانسیون بین‌المللی در مورد حقوق سیاسی زنان گام مهمی به سمت برقراری حقوق برابر برای زنان و مردان است این کنوانسیون را تصویب می‌کند. سپس در دیباچه کنوانسیون دوباره به برابری حقوق زنان و مردان و ایمان به اینکه هر کسی حق دارد مستقیماً یا به واسطه انتخاب نماینده در امور سیاسی و تصمیم‌گیریهای کشور خویش مداخله کند و در کشور خود به خدمات عمومی دسترسی یابد و نیز آرزوی برقراری برابری در بهره‌مندی و اعمال حقوق سیاسی اعلام شده است. در کنوانسیون آمده است که زنان حق دارند در هر انتخاباتی در شرایط برابر با مردان رأی بدهند و نماینده انتخاب کنند و همچنین حق دارند به عنوان نماینده برگزیده شوند. این کنوانسیون را ۷۴ دولت امضاء و ۱۱۸ دولت تصویب کردند. ایران کنوانسیون را نه امضاء کرد و نه به تصویب رساند.

### د - کنوانسیون تابعیت زنان ازدواج کرده

این کنوانسیون در تاریخ ۲۹ ژوئیه ۱۹۵۷ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب دولتها رسید و برابر بند ۱ ماده ۶ آن که مقرر می‌دارد کنوانسیون ۱۹ روز پس از تودیع ششمین سند تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد، در تاریخ ۱۱ اوت ۱۹۵۸ لازم‌الاجرا شد. این کنوانسیون با هدف از بین بردن تعارض قوانین ناشی از کسب یا سلب تابعیت زنان در نتیجه ازدواج یا تغییر تابعیت به واسطه ازدواج تنظیم شد. دیباچه این کنوانسیون به ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره دارد که در آن آمده است «همه افراد حق دارند

تابعیت داشته باشند» و «هیچ‌کس نباید خود سرانه از تابعیت خود محروم شود یا حق تغییر تابعیت از او سلب شود.» همچنین دیباچه کنوانسیون به آرزوی ملل متحد به گسترش احترام و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه به دور از نابرابری از حیث جنس اشاره کرد. کشورهای متعهد کنوانسیون متعهد شده‌اند که نه بستن عقد ازدواج و نه انحلال آن بین یکی از اتباع آنها با تبعه بیگانه و نه تغییر تابعیت شوهر پس از ازدواج هیچ یک به طور خود به خود بر تابعیت زن تأثیر نخواهد گذاشت و تغییر تابعیت زن در این موارد تنها براساس درخواست داوطلبانه وی و طی مراحل قانونی ممکن خواهد بود.

#### ه - کنوانسیون منع نابرابری در استخدام و اشتغال

کنوانسیون در کنفرانس عمومی سازمان بین‌المللی کار در ۱۵ ژوئن ۱۹۵۸ به تصویب دولتها رسید. برابر با بند ۲ ماده ۸ کنوانسیون که اشعار می‌دارد کنوانسیون ۱۲ ماه پس از ثبت دومین سند تصویب در دبیرخانه سازمان ملل لازم‌الاجرا خواهد شد، این کنوانسیون در تاریخ ۱۵ ژوئن ۱۹۶۰ لازم‌الاجرا شد. کنوانسیون ۱۱۴ عضو دارد و دولت ایران در تاریخ ۳۰ ژوئن ۱۹۶۴ آن را تصویب کرده است. این کنوانسیون در دیباچه خود اشاره می‌کند که همانطور که در اعلامیه فیلادلفیا آمده است همه افراد بشر صرفنظر از نژاد، مذهب یا جنس حق دارند به دنبال رفاه مادی و پیشرفت معنوی همراه با آزادی و کرامت، امنیت اقتصادی و فرصتهای برابر باشند. منظور کنوانسیون از نابرابری هرگونه تمایز، استثنا یا ترجیح است که بر مبنای نژاد، رنگ، جنس، مذهب، عقاید سیاسی، ملیت یا منشأ اجتماعی برقرار شود و به برابری فرصتها یا برابری رفتار در اشتغال و استخدام لطمه بزند. دولتهای عضو باید این‌گونه نابرابریها را با مشورت با نمایندگان سازمانهای کارگری و کارفرمایی شناسایی کنند و سپس سیاستی ملی که متناسب با شرایط ملی‌شان باشد برای رفع این نابرابری و برقراری برابری در استخدام و اشتغال برقرار کنند.

## و - کنوانسیون اقدام علیه نابرابری در آموزش

این کنوانسیون در کنفرانس عمومی سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در پاریس در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ به تصویب دولتها رسید و در ۲۲ مه سال ۱۹۶۲ لازم‌الاجرا شد. در دیباچه کنوانسیون اشاره شد که یونسکو با یادآوری اینکه اعلامیه جهانی حقوق بشر اصل عدم نابرابری را اعلام کرده و بر برخورداری همه افراد از حق بر آموزش تأکید می‌کند و اینکه نابرابری در آموزش نقض حقوق مندرج در این اعلامیه است و با اعلام اینکه یونسکو ضمن احترام به تنوع سیستمهای آموزشی به دنبال حذف نابرابری در آموزش در کشورهای مختلف است این کنوانسیون را به تصویب می‌رساند. منظور کنوانسیون از نابرابری هرگونه تمایز، استثنا، محدودیت یا ترجیح است که مبتنی بر نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقاید سیاسی و غیره، منشأ ملی یا اجتماعی، شرایط اقتصادی یا تولد بوده و بر برابری رفتار در آموزش تأثیر بگذارد و بخصوص باعث محرومیت شخص یا گروهی از اشخاص از دسترسی به هرگونه آموزش در هر سطح یا محدودیت در آن بشود. و منظور از آموزش هرگونه آموزش در هر سطح است. البته از نظر کنوانسیون جدا کردن دختران و پسران به شرط آنکه امکانات و تسهیلات برابر و فرصت یکسان برای آموزش به آنها داده شود نابرابری محسوب نمی‌شود.

## ز - کنوانسیون رضایت به ازدواج، کمترین سن ازدواج و ثبت آن

کنوانسیون در تاریخ ۷ نوامبر ۱۹۶۲ در نشست مجمع عمومی سازمان ملل به تصویب دولتها رسید. کنوانسیون براساس بند ۱ ماده ۵ آن، ۱۹ روز پس از تودیع هشتمین سند تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا می‌شود و این شرط در تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۶۴ محقق شد. کنوانسیون ۱۶ امضاء دارد و به تصویب ۴۹ دولت رسیده است. ایران کنوانسیون را نه امضاء و نه تصویب کرده است. کنوانسیون با یادآوری آرزوی ملل متحد به برقراری احترام و رعایت جهانی حقوق بشر و آزادیهای اساسی برای همه به دور از نابرابری از حیث نژاد، جنس، زبان یا مذهب و با یادآوری ماده ۱۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر که بر حق انسانها به ازدواج و تشکیل خانواده و معتبر بودن ازدواج تنها در صورت رضایت زوجین تأکید می‌کند آغاز می‌شود. براساس کنوانسیون هیچ ازدواجی بدون رضایت کامل و آزادانه

طرفین که در حضور مقام صالح و شهود ابراز شده باشد معتبر نیست. دولتهای عضو متعهدند دست‌کم سنی برای ازدواج مشخص کنند که بدون رعایت آن، جز در شرایط استثنایی و با اجازه مقام صالح، ازدواج معتبر نخواهد بود. هر ازدواجی باید در دفتر ثبت ازدواج توسط مقام ذیصلاح ثبت بشود.

### ۶. اقدامات مجمع عمومی سازمان ملل متحد از سال ۱۹۶۳ تا ۱۹۷۸

تصویب و لازم‌الاجرا شدن کنوانسیونهای یاد شده باعث توقف تلاش جامعه بین‌المللی برای پیشبرد حقوق زنان نشد. نقایص و کمبودهایی که در اسناد وجود داشت از یکسو، تعدد و پراکندگی حقوق مندرج در آنها از سوی دیگر و این حقیقت که تعداد بسیاری از کشورها این اسناد را نپذیرفته بودند موجب شد که مجمع عمومی سازمان ملل متحد کاری سخت را برای تحقق و ارتقای حقوق زنان در پیش بگیرد.

آغاز این تلاش مجمع، صدور اعلامیه ریشه‌کنی نابرابری علیه زنان بود. مجمع با صدور قطعنامه شماره ۱۹۲۱ در سال ۱۹۶۳ از کمیسیون مقام زن خواست پیش‌نویس این اعلامیه را تهیه کند. کمیسیون مقام زن این پیش‌نویس را تهیه و در سال ۱۹۶۶ به مجمع تقدیم کرد و مجمع آن را به موجب قطعنامه شماره ۲۲۶۳، مورخ ۷ نوامبر ۱۹۶۷ به تصویب رساند. در این اعلامیه مجمع عمومی اعلام ایمان ملل متحد به برابری حقوق زنان و مردان در دیباچه منشور ملل متحد و درج اصل عدم تبعیض و برخورداری همه افراد بشر از حقوق بشر در اعلامیه جهانی حقوق بشر را یادآور شد و از اینکه به رغم تأکید این اسناد هنوز و همچنان نابرابریهای قابل توجهی علیه زنان اعمال می‌شود ابراز تأسف کرد. سپس در ماده ۱ خود اعلام کرد که نابرابری علیه زنان، منع یا محدود کردن برابری آنها با مردان کاملاً ناعادلانه و جنایتی علیه کرامت انسان است و همه دولتها باید کلیه قوانین، مقررات، عرفها و عملکردهای خود را که تبعیض‌آمیز باشد نسخ و برابری بین زنان و مردان را برقرار کنند (ماده ۲). سپس در سایر مواد خود به برابری حقوق و آزادیهای مانند حق رأی، حق بر تابعیت، آزادی رفت و آمد، حق مالکیت، حق نسبت به فرزندان، حق بر آموزش، حقوق اقتصادی و اجتماعی و امثال آن برای زنان اشاره کرد و به این ترتیب به رغم پیمان‌نامه‌های

پیشین که هر کدام به یکی از حقوق یا آزادیها برای زنان اختصاص داشتند نخستین سندی بود که در آن به برابری زنان با مردان در کلیه حقوق و آزادیها اشاره شد. پس از آن در سال ۱۹۶۸ شورای اقتصادی و اجتماعی نخستین گزارش خود را درباره اجرای مقررات اعلامیه توسط دولتها به مجمع عمومی ارایه کرد.<sup>(۴)</sup>

در سالهای بعدی مجمع عمومی مرتباً از دولتها درخواست کرد اسناد بین‌المللی مربوط به زنان را به تصویب برسانند و به آنها عمل کنند. در سال ۱۹۷۲ دبیر کل سازمان ملل نظرات دولتها را در مورد ماهیت و محتوای سند جدیدی در مورد حقوق زنان خواستار شد. از آنجا که نظر اغلب دولتها در مورد تدوین یک کنوانسیون جدید مساعد بود از شورای اقتصادی و اجتماعی درخواست شد تا کار تنظیم پیش‌نویس این سند را آغاز کند و این شورا در سال ۱۹۷۳ گروه کاری ۱۵ نفره‌ای را تشکیل داد تا پیش‌نویس مذکور را تهیه کند بنابراین روند طولانی تنظیم کنوانسیون ریشه‌کنی نابرابری علیه زنان از سال ۱۹۷۳ آغاز شد.

سازمان ملل متحد سال ۱۹۷۵ را سال بین‌المللی زنان نامیده بود. در این سال کنفرانسی در مکزیکوسیتی با نام کنفرانس جهانی سال بین‌المللی زنان برگزار شد. دستور کار جهانی سال بین‌المللی زنان هم از دولتها دعوت کرد کنوانسیونی برای رفع نابرابری علیه زنان تصویب کنند که در آن روشهای مؤثر برای به اجرا گذاشتن آن پیش‌بینی شده باشد. گروه کاری شورای اقتصادی و اجتماعی پیش‌نویسی را تنظیم و در ۱۲ می ۱۹۷۶ تقدیم مجمع عمومی کرد سپس مجمع عمومی یک گروه کاری تشکیل داد و به موجب قطعنامه ۳۲/۱۳۴ مورخ ۱۶ دسامبر ۱۹۷۷ از این گروه خواست تا کار بیشتری بر روی پیش‌نویس انجام بدهد و سپس سال بعد از آن یعنی ۱۹۷۸، در قطعنامه ۳۳/۱۷۷ از گروه کاری خواست کار خود را تکمیل کنند و به پایان برسانند. در پی آن گروه کاری ذیربط متن نهایی کنوانسیون ریشه‌کنی هرگونه نابرابری علیه زنان را به مجمع عمومی ارایه کرد و مجمع عمومی در سی و چهارمین نشست خود در سال ۱۹۷۹ به موجب قطعنامه ۳۴/۱۸۰ این سند را که مشتمل بر ۳۰ ماده است به تصویب رساند و از همه دولتها دعوت کرد آن را امضاء و تصویب کنند.

## ۷. تصویب کنوانسیون ریشه‌کنی هرگونه نابرابری علیه زنان در سال ۱۹۷۹ و پروتکل اختیاری آن در سال ۱۹۹۹

کنوانسیون ریشه‌کنی هرگونه نابرابری علیه زنان در سال ۱۹۷۹ به تصویب رسید و طبق بند ۱ ماده ۲۷ آن که اعلام می‌کند کنوانسیون سی روز پس از تودیع بیستمین سند تصویب یا الحاق لازم‌الاجرا خواهد شد، در ۳ سپتامبر ۱۹۸۱ لازم‌الاجرا شد. این در حالی است که تا کنون هیچ کنوانسیون حقوق بشری با این سرعت لازم‌الاجرا نشده است. کنوانسیون تا کنون<sup>۱</sup> به تصویب ۱۷۷ دولت - یعنی بیش از ۹۰ درصد اعضای سازمان ملل متحد - رسیده است و از این حیث در بین کنوانسیونهای حقوق بشری یکی از برترینهاست. ماده ۱۷ کنوانسیون تأسیس یک کمیته ریشه‌کنی نابرابری علیه زنان (CEDAW)<sup>۲</sup> را پیش‌بینی کرده است. دولتهای عضو کنوانسیون متعهدند پیشرفتهای حاصل شده در اجرای کنوانسیون در کشورشان را نخستین بار یکسال پس از لازم‌الاجرا شدن کنوانسیون برای آن دولت و پس از آن، هر چهار سال یکبار به این کمیته ارائه کنند. این کمیته همچنین می‌تواند از دولتها بخواهد اقداماتی را که در راستای اجرای مقررات اتخاذ کرده‌اند قرائت کنند. کمیته دارای ۲۳ عضو است که باید دارای تخصص و حسن شهرت باشند. آنها توسط دولتها با توجه به توزیع عادلانه جغرافیایی برای یک دوره چهار ساله انتخاب و معرفی می‌شوند اما نماینده دولتها نیستند بلکه به واسطه موقعیت شخصی خود انتخاب می‌شوند. کمیته هر سال حداکثر به مدت دو هفته تشکیل جلسه می‌دهد و گزارشهایی که کمیته تهیه می‌کند از طریق شورای اقتصادی و اجتماعی به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه می‌شود. سازمانهای غیر حکومتی زنان هم می‌توانند گزارش عملکرد خود را به CEDAW ارائه کنند.

به علاوه در اکتبر ۱۹۹۹ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، یک پروتکل اختیاری الحاقی به کنوانسیون ریشه‌کنی هرگونه نابرابری علیه زنان به تصویب دولتها رساند. این پروتکل به کمیته زنان اختیار می‌دهد که شکایات افراد، گروه‌ها و سازمانهای غیر حکومتی را در مورد نقض کنوانسیون دریافت و بررسی کند. در حقیقت این پروتکل، به زنان قربانی نابرابری

۱. مه ۲۰۰۵

2. Committee on The Elimination of Discrimination Against Women (CEDAW)

جنسیتی این امکان را می‌دهد که به یک نهاد قراردادی بین‌المللی شکایت کنند. پروتکل در دسامبر سال ۲۰۰۰ پس از تصویب دهمین دولت لازم‌الاجرا شد و به این ترتیب کنوانسیون ریشه‌کنی نابرابری علیه زنان هم به یکی از اسناد بین‌المللی حقوق بشری تبدیل شد که دارای مکانیسم شکایت فردی هستند.

### بررسی اجمالی مفاد کنوانسیون

در آغاز دیباچه کنوانسیون با ذکر اسناد و معاهدات بین‌المللی مختلفی که در مورد حقوق زنان به تصویب رسیده و اعلام نگرانی از اینکه هنوز به رغم تصویب این اسناد حقوق زنان همچنان نقض می‌شود بر عزم ملل متحد برای ریشه‌کنی هرگونه نابرابری علیه زنان تأکید می‌کند. بخش یکم کنوانسیون که مشتمل بر مواد ۱ تا ۶ است شامل مقررات اصولی و بنیادین معاهده است. ماده ۱ کنوانسیون، نابرابری را تعریف کرده است. براساس این تعریف:

«نابرابری علیه زنان به معنای قائل شدن هرگونه تمایز، استثناء یا محدودیت برپایه جنسیت است که نتیجه یا هدف آن خدشه دار کردن یا لغو شناسایی، بهره‌مندی، یا اعمال حقوق بشر و آزادیهای اساسی در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی و یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرفنظر از وضعیت تأهل آنها و براساس برابری میان زنان و مردان باشد.»

در یک کلام منظور این است که هرگونه قانون، تصمیم، رویه عملی، فرهنگ و سنت رایج که بر شناسایی و استفاده و اعمال حقوق یکسان زن با مرد در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و غیره لطمه وارد سازد و زن را به لحاظ زن بودن از این حقوق مساوی محروم یا محدود کند، نابرابری محسوب می‌شود.<sup>(۵)</sup> در مواد بعدی کنوانسیون مصادیقی از این حقوق و لزوم تساوی زن با مرد در آنها بر شمرده شده است. در مواد ۲ تا ۶ تعهدات دولتهای عضو کنوانسیون جهت اجرای آن و برقراری برابری بین زنان و مردان درج شده است. بخش دوم کنوانسیون مشتمل بر مواد ۷ تا ۹ با موضوعات ذیل است:

- ماده ۷: برابری در زندگی سیاسی و عمومی در سطح ملی
- ماده ۸: برابری در زندگی سیاسی و عمومی در سطح بین‌المللی
- ماده ۹: برابری در حقوق مربوط به تابعیت
- مواد ۱۰ تا ۱۴ بخش سوم را تشکیل می‌دهند:
- ماده ۱۰: برابری در آموزش
- ماده ۱۱: برابری در اشتغال و حقوق کار
- ماده ۱۲: برابری در دسترسی به تسهیلات بهداشتی
- ماده ۱۳: امنیت اقتصادی و اجتماعی
- ماده ۱۴: حقوق زنان روستایی. بخش چهارم مشتمل بر مواد ۱۵ و ۱۶ است:
- ماده ۱۵: برابری در برابر قانون و در امور مدنی
- ماده ۱۶: برابری در حقوق خانوادگی
- بخش پنجم مواد ۱۷ تا ۲۲ است که به ساختار و عملکرد کمیته ریشه‌کنی نابرابری علیه زنان می‌پردازند. بخش ششم مواد ۲۳ تا ۳۰ را در برمی‌گیرد و موضوع آنها مقررات راجع به چگونگی اجرای کنوانسیون و تشریفات اجراء و تصویب آن است.

## ۸. بررسی انطباق یا عدم انطباق مندرجات کنوانسیون با شرع اسلام، قانون اساسی و سایر قوانین و مقررات کشور

در این قسمت به بررسی تطابق یا عدم تطابق مقررات کنوانسیون ریشه‌کنی نابرابری علیه زنان با قانون اساسی و سایر قوانین می‌پردازیم. از آنجا که طبق قانون اساسی کلیه قوانین و مقررات کشور باید منطبق با شریعت اسلام باشند، این بررسی موارد تضاد کنوانسیون با شرع را هم نشان خواهد داد.<sup>(۶)</sup> برای بررسی آسان‌تر، حقوق مندرج در کنوانسیون را به دو دسته حقوق عمومی و حقوق خصوصی تقسیم می‌کنیم.

## دسته نخست: حقوق عمومی

### ۱. حق انتخاب کردن و انتخاب شدن (ماده ۷)

#### ۱/۱. حق انتخاب کردن

برابر با بند ۸ اصل سوم قانون اساسی حق تعیین سرنوشت و مشارکت در امور سیاسی به آحاد شهروندان داده شده است. بنابر اصول مختلف قانون اساسی در مورد انتخاب نمایندگان مجلس، اعضای شوراهای اسلامی، اعضای مجلس خبرگان و رییس جمهور و همچنین مواد مختلف قوانین راجع به انتخابات مجلس و ریاست جمهوری و شوراها و غیره در زمینه حق رای دادن در هیچ موردی تفاوتی بین زنان و مردان نیست و از این جهت کنوانسیون مغایرتی با قوانین داخلی ندارد.

#### ۱/۲. حق انتخاب شدن

در جمهوری اسلامی ایران زنان برای انتخاب شدن به سمت نمایندگی مجلس، عضویت شورای نگهبان و عضویت شوراهای اسلامی محدودیتی ندارند. اما رهبر براساس اصل صد و نهم قانون اساسی باید مرد باشد و بنابر روایات متعدد رهبر و حاکم جامعه اسلامی نمی‌تواند زن باشد. در مورد ریاست جمهوری اصل یکصد و پانزدهم می‌گوید که رییس جمهور باید از میان رجال مذهبی و سیاسی واجد شرایط انتخاب بشود. در مورد تفسیر واژه «رجال» اختلاف نظر هست که آیا فقط به معنی مردان است یا کلاً به معنی شخصیتهاست. اگر معنای نخست درست باشد در جمهوری اسلامی ایران زنان نمی‌توانند به سمت ریاست جمهوری انتخاب شوند.

### ۲. حق اشتغال (ماده ۱۱)

ماده ۱۱ کنوانسیون به حق اشتغال به کار، حق انتخاب آزادانه شغل، حق برخورداری از ارتقاء مقام، حق برخورداری از تمامی امتیازات و شرایط شغلی، حق رفتار یکسان، حق حفظ تندرستی و لزوم رعایت حقوق زنان شاغل باردار تأکید کرده است. در اصل بیست و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم تأکید شده است که «هرکس حق دارد شغلی

را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند.» همچنین اصل ۴۳ بر تعهد دولت به فراهم کردن زمینه‌های اشتغال تأکید کرده است. اما محدودیتهای ذیل در قوانین داخلی برای کار زنان وجود دارد که در تضاد با کنوانسیون است:

۲/۱. طبق ماده ۷۵ قانون کار «انجام کارهای خطرناک، سخت، زیان آور و نیز حمل بار بیشتر از حد مجاز با دست و بدون استفاده از وسایل مکانیکی برای کارگران زن ممنوع است.» البته این محدودیتی است که به نفع زنان برقرار شده است.

۲/۲. به موجب ماده ۱۱۷ قانون مدنی شوهر می‌تواند زن خود را از شغل و حرفه منافی با مصالح خانوادگی یا حیثیات زن منع کند. البته طبق ماده ۱۸ قانون حمایت از خانواده شوهر با تأیید دادگاه می‌تواند چنین محدودیتی برای زن ایجاد کند.

۲/۳. از شرایط اشتغال به شغل قضاوت طبق اصل صد و شصت و سوم قانون اساسی مرد بودن است. البته طبق قانونی که در سال ۷۴ به تصویب رسیده زنانی هم که دارای شرایط انتخاب قضاوت باشند می‌توانند با پایه قضایی جهت تصدی پستهای مشاورت دیوان عدالت اداری، دادگاههای مدنی خاص، قاضی تحقیق و دفاتر مطالعات حقوقی و تدوین قوانین، اداره سرپرستی صغار و مستشاری اداره حقوقی استخدام بشوند.

۲/۴. اشتغال در نیروهای مسلح به عنوان کادر نظامی در ارتش و سپاه پاسداران برای زنان ممنوع است. قانون ارتش اعلام می‌کند که زنان تنها برای مشاغل درمانی و بهداشتی در ارتش استخدام خواهند شد.

بنابراین، قوانین داخلی جمهوری اسلامی ایران از جهاتی با این ماده کنوانسیون در تعارضند.

### ۳. حق آموزش (ماده ۱۰)

ماده ۱۰ کنوانسیون دولتها را موظف می‌کند که در راستای برابری در آموزشهای فنی و حرفه‌ای، ایجاد شرایط یکسان آموزشی و امکانات برابر، از بین بردن مفاهیم کلیشه‌ای در سطوح و اشکال مختلف، فراهم آوردن فرصتهای یکسان جهت ادامه تحصیل، کاهش

درصد ترک تحصیل دختران و ایجاد امکانات ورزشی یکسان برای زنان اقدام کنند. اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران فراهم آوردن زمینه آموزش و پرورش رایگان برای همه ملت را از وظایف دولت می‌داند و اصل سی ام بر این وظیفه تأکید می‌کند. اصولاً در ایران زنان می‌توانند تا سطوح عالی ادامه تحصیل دهند اما در قوانین کشور برخی خصوصیات در مورد تحصیل زنان وجود دارد که در تعارض با کنوانسیون زنان است: نخست ناظر به ممنوعیت اعزام دختران دانشجوی مجرد برای ادامه تحصیل به خارج از کشور و دومی در مورد آموزش مختلط که در کنوانسیون تشویق شده است اما در کشور ما ممنوع است. همچنین برخی محدودیتها برای فعالیتهای ورزشی زنان در کشور وجود دارد.

#### ۴. حق تابعیت (ماده ۹)

ماده ۹ کنوانسیون به ریشه‌کنی برابری از تابعیت اختصاص دارد و به حق کسب تابعیت، حفظ تابعیت، عدم تأثیر ازدواج بر تابعیت و حقوق برابر مادر و پدر در تابعیت فرزندان اشاره می‌کند. اما قوانین جمهوری اسلامی ایران در موارد ذیل با کنوانسیون در تعارضند:

۴/۱. بند ۶ ماده ۹۷۶ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران می‌گوید هر زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار کند به تابعیت ایران در می‌آید. حال آنکه کنوانسیون از دولتها می‌خواهد در مورد کسب، تغییر یا حفظ تابعیت به زنان حقوق برابر با مردان اعطاء کنند و ترتیبی اتخاذ کنند که ازدواج تأثیری در تابعیت زن نداشته باشد.

۴/۲. بند ۲ ماده ۹۷۶ مقرر می‌دارد «کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند» تبعه ایران محسوب می‌شوند. در حالی که کنوانسیون از دولتها می‌خواهد به زنان حقوق برابر با مردان در مورد تابعیت فرزندان اعطاء کنند.

۴/۳. ماده ۹۸۷ قانون مدنی می‌گوید «زن ایرانی که با تبعه خارجه مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل شود...» این در حالی است که کنوانسیون خواستار اعطای حقوق مساوی در مورد تابعیت به زن و مرد است.

۴/۴. ماده ۹۸۴ قانون مدنی می‌گوید «زن و اولاد صغیر کسانی که بر طبق این قانون تحصیل تابعیت ایران را می‌نمایند تبعه دولت ایران شناخته می‌شوند...». این مقرر هم با بندهای ۱ و ۲ ماده ۹ که از دولتهای عضو کنوانسیون درخواست می‌کند در مورد کسب، تغییر، حفظ تابعیت و همچنین تابعیت فرزندان به زن و مرد حقوق یکسانی اعطا کنند در تعارض است.

بنابراین، در مورد تابعیت زن دست‌کم در چهار مورد بین کنوانسیون و قوانین ایران اختلاف به چشم می‌خورد که البته مبنای شرعی ندارد و لذا این قوانین را می‌توان اصلاح کرد. نکته دیگر اینکه صدور گذرنامه برای زن شوهر دار با موافقت کتبی شوهر انجام می‌شود.

#### ۵. حق برخورداری از تامین اجتماعی، خدمات بهداشتی درمانی و بیمه (بند ۱ ماده ۱۱)

در اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر حق برخورداری از تامین اجتماعی و خدمات بهداشتی و درمانی برای همگان تأکید کرده است و تامین آن را وظیفه دولت دانسته است. اصل ۲۱ قانون اساسی هم بر تکلیف دولت به انجام اموری جهت تضمین حقوق زن و تامین بیمه خاص زنان تأکید کرده است. بنابراین، به نظر می‌رسد در این مورد تعارضی بین بهره‌مندی زنان و مردان از بیمه و خدمات بهداشتی و درمانی در ایران با مفاد کنوانسیون وجود ندارد.

### دسته دوم - حقوق خصوصی

ذیل عنوان حقوق خصوصی حقوق خانوادگی، حق انتخاب مسکن و محل سکونت و حق داشتن اقامتگاه، حق ارث، برابری در برابر قانون و اهلیت و حق مالکیت را بررسی می‌کنیم.

#### ۱. حقوق خانوادگی

ماده ۱۶ کنوانسیون از دولتها می‌خواهد در موارد ذیل به زنان حقوق مساوی با مردان اعطا کنند: حق یکسان برای ورود به ازدواج، حق یکسان در انتخاب آزادانه همسر و صورت گرفتن ازدواج با رضایت کامل و آزادانه دو طرف، حقوق و مسئولیتهای یکسان در دوران

زناشویی، حقوق و مسئولیتهای یکسان به عنوان والدین، حقوق یکسان در مورد تصمیم‌گیری آزادانه و مسئولانه نسبت به تعداد فرزندان و فواصل بارداری‌ها، حقوق و مسئولیتهای یکسان در مورد قیمومت، حضانت، سرپرستی و به فرزندگی گرفتن، حقوق فردی یکسان به عنوان زن و شوهر از جمله حق انتخاب نام خانوادگی و شغل، حقوق یکسان برای زوجین نسبت به مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره‌مندی و انتقال ملک.

در قوانین ایران هم حق تشکیل خانواده و ازدواج به یکسان به زن و مرد داده شده است. اما ازدواج دختر باکره منوط به اجازه پدر و جد پدری شده است. همچنین ازدواج صغیر و کودک نابالغ اعم از پسر و دختر توسط ولی او مجاز است. همچنین تعارضهای دیگری به شرح ذیل در قوانین جمهوری اسلامی ایران با کنوانسیون وجود دارد:

نخست در مورد حق حضانت اطفال که طبق قانون مدنی تا ۷ سالگی اطفال بر عهده مادر و پس از آن بر عهده پدر است. همچنین ولایت بر طفل با پدر یا جد پدری است و مادر ولایتی بر کودک خود ندارد.

دوم، در مورد سن ورود به ازدواج که کنوانسیون از دولتها می‌خواهد برای زنان و مردان یکسان باشد اما در ایران این سن برای دختران ۱۵ سال و برای پسران ۱۸ سال تمام است.

سوم، اینکه طبق قانون ایران ازدواج زن مسلمان با مرد غیر مسلمان ممنوع است. اما براساس ماده ۱۶ نباید محدودیتی در انتخاب همسر وجود داشته باشد.

چهارم، در خصوص ریاست خانواده ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی ایران ریاست خانواده را از خصایص مرد می‌داند و این مقرر با کلیت ماده ۱۶ که خواستار رعایت حقوق برابر برای زوجین در مدت زناشویی شده در تعارض است.

پنجم، مسئله طلاق است که براساس قوانین جمهوری اسلامی ایران اختیار طلاق به دست مرد است و این در تعارض با کنوانسیون می‌باشد.

در مورد حق قیمومت بر کودکان و حق انتخاب نام خانوادگی برای زن قوانین ایران تعارضی با کنوانسیون ندارند.

## ۲. حق انتخاب مسکن و اقامتگاه (بند ۴ ماده ۱۵)

بند ۴ ماده ۱۵ کنوانسیون خواستار اعطای حقوق یکسان به زن و مرد در مورد انتخاب مسکن و اقامتگاه شده است. در حالی که براساس ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی اصولاً زن باید در مسکنی که شوهر تعیین می‌کند سکونت نماید مگر اینکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد یا براساس ماده ۱۱۱۵ بودن زن با شوهر در یک منزل متضمن خوف ضرر بدنی یا مالی یا شرافتی برای زن باشد. همچنین ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی اشعار می‌دارد که اقامتگاه زن شوهردار همان اقامتگاه شوهر است. بنابراین در خصوص تعیین مسکن و اقامتگاه زن شوهردار مقررات ایران در تضاد با کنوانسیون است.

## ۳. حق ارث

گرچه در کنوانسیون از حق ارث به عنوان یکی از حقوق زنان نام برده نشده لیکن در مواد مختلف آن بر برابری حقوق زن و مرد تأکید شده است. در قوانین جمهوری اسلامی ایران طبق مقررات شرعی و نص صریح قرآن، سهم الارث دختر نصف پسر است. همچنین سهم الارث زوجه از زوج نصف سهم الارث زوج از زوجه است. ضمن اینکه شوهر از تمام اموال زن ارث می‌برد اما زن تنها از اموال منقول و قیمت ابنیه و اشجار باقی مانده از شوهر (و نه عین آنها) ارث می‌برد.

## ۴. برابری در برابر قانون (ذیل بند ۲ ماده ۱۵)

بند ۲ ماده ۱۵ کنوانسیون مقرر می‌دارد که با زنان در کلیه مراحل دادرسی در دادگاهها و مراجع قضایی به صورت یکسان رفتار خواهد شد. از این عبارت می‌توان کلیه حقوق مدنی و کیفری در برابر دادگاهها را استنباط کرد. اما قوانین ایران در موارد ذیل دربردارنده این برابری نیستند:

حق دیه: از نظر مقررات قانون جزای ایران (ماده ۳۰۱)، دیه زن و مرد یکسان است تا به ثلث دیه کامل برسد و در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است.

حق قصاص: ماده ۲۵۸ قانون جزا می‌گوید «هرگاه مردی زنی را به قتل برساند ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت، قاتل می‌تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید.»

حق شهادت و حضور در محضر دادگاه: در قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران برخی تفاوتها در اعتبار شهادت زن نسبت به شهادت مرد وجود دارد. در مورد برخی جرایم شهادت زنان اصلاً پذیرفته نمی‌شود. این جرایم عبارتند از: لواط، مساحقه، قوادی، قذف، شرب خمر، محاربه، سرقت و قتل عمد. و در مواردی شهادت زن باید حتماً همراه با شهادت مرد باشد و در آنها شهادت دو زن برابر با شهادت یک مرد است. این موارد عبارتند از: زنا و قتل شبه عمد.

#### ۵. اهلیت (بند ۲ ماده ۱۵)

صدر بند ۲ ماده ۱۵ می‌گوید «دول عضو در امور مدنی به زنان اختیارات و امکانات قانونی دقیقاً یکسان با مردان و نیز شرایط برابری برای بهره برداری از این اختیارات و امکانات اعطاء خواهند کرد. دول عضو برای انعقاد قرارداد و اداره املاک برای زنان حقوقی برابر با مردان قایل می‌شوند...»

منظور از اهلیت صلاحیت دارا شدن و اجرای حقوق و تکالیف است. اهلیت بر دو نوع است: اهلیت تمتع یعنی صلاحیت دارا شدن حقوق و تکالیف و دوم اهلیت استیفا یعنی صلاحیت اجرای حقوق و تکالیف. در قوانین جمهوری اسلامی ایران همه افراد اعم از زن و مرد از بدو تولد از اهلیت تمتع بهره‌مند هستند و به محض رسیدن به سن بلوغ از اهلیت استیفا هم برخوردار می‌شوند. اما مسئله این است که سن بلوغ در ایران طبق تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی برای دختر ۹ سال و برای پسر ۱۵ سال است. بنابراین از این حیث بین زنان و مردان نابرابری وجود دارد.

#### ۶. حق مالکیت (بند ۱ ماده ۱۶)

این قسمت از کنوانسیون حقوق یکسان برای زوجین نسبت به مالکیت، حق اکتساب، مدیریت، سرپرستی، بهره‌مندی و انتقال ملک، اعم از اینکه رایگان باشد یا هزینه‌ای در بر

داشته باشد پیش‌بینی کرده است. اصل چهل و ششم قانون اساسی در مورد حق مالکیت می‌گوید: «هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و هیچ‌کس نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.» در مقررات اسلام هم هیچ قید و شرطی برای مالکیت و استقلال مالی زن وجود ندارد.

### ارزیابی وضعیت موجود

در کل با توجه به کلیه اختلافهای ذکر شده دو نظر موافق و مخالف در مورد الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون وجود دارد. اگر بخواهیم تنها دلایل حقوقی موافقین و مخالفین را بررسی کنیم موضوع به شکل زیر خواهد بود:

برخی معتقدند که جمهوری اسلامی ایران باید به این کنوانسیون ملحق بشود. این الحاق در بهبود وجهه و جایگاه جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی موثر بوده و بخصوص بر ارزیابی جامعه بین‌المللی از وضعیت حقوق بشر در ایران تأثیر مثبتی خواهد داشت. برخی از نظریه‌پردازان این گروه معتقد به لزوم الحاق بدون قید و شرط به کنوانسیون هستند. مخالفین الحاق در پاسخ می‌گویند که با وجود تعارضات فراوانی که بین شرع اسلام و قوانین جمهوری اسلامی ایران با مفاد کنوانسیون وجود دارد چنین عملی باعث برانگیختن اعتراضات و انتقادات فراوان شده و اثر نامطلوب آن به مراتب بیشتر از عدم الحاق است. شمار دیگری از موافقین الحاق معتقدند که جمهوری اسلامی ایران باید مانند سایر کشورهای مسلمان،<sup>(۷)</sup> با اعلام حق شرطهایی به کنوانسیون ملحق بشود. در این رابطه توجه به دو نکته لازم است:

نخست اینکه طبق ماده ۱۹ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین در مورد حقوق معاهدات حق شرط نباید با هدف و منظور معاهده در تضاد باشد. همچنین بند ۲ ماده ۲۸ کنوانسیون اعلام می‌دارد که حق شرطهایی که با هدف و منظور معاهده در تضاد باشند پذیرفته نخواهند شد. دوم اینکه از یک سو موارد اختلاف قوانین ایران با مقررات کنوانسیون بسیار متعدد است و در نتیجه اگر قرار بر اعلام حق شرط نسبت به برخی مواد کنوانسیون باشد شمار موادی که نسبت به آنها حق شرط باید اعلام شود بسیار زیاد خواهند بود. به این ترتیب

الحاق به کنوانسیون مستلزم تخصیص اکثر است و بدیهی است که در این گونه الحاق به کنوانسیون با اعلام تحفظات بسیار پذیرفته نخواهد شد و زمینه اعتراضهای بسیاری را فراهم و مشکلات بسیاری را ایجاد خواهد نمود.

نظر شما در این مورد چیست و چه دلیلی برای توجیه نظر خود دارید؟

### فرجام

موارد گوناگون تعارض میان کنوانسیون ریشه‌کنی نابرابری علیه زنان را با قوانین و مقررات داخلی و نیز برخی احکام شرعی به اجمال دیدیم. برخی از این تعارضها کوچک و جزیی و برخی بسیار اصولی و با اهمیت هستند. همچنین برخی از آنها مانند احکام ارث ریشه در آیات قرآن و برخی مانند احکام قصاص و دیه و طلاق ریشه در احادیث و روایات دارند. در مراجعه به کتب و متون فقهی در توجیه اغلب این گونه احکام که قایل به تفاوت میان زن و مرد می‌باشند، هر جا پای مسایل مالی در بین باشد به عدم مسئولیت زن در تامین معاش خانواده و در مقابل، مسئولیت مرد در پرداخت نفقه اشاره شده و در موارد اجتماعی به ترجیح ماندن زن در خانه و کمتر ظاهر شدن او در انظار و پرهیز از اختلاط در روابط و مسایلی نظیر آن استناد شده است.

اما واقعیت‌های اجتماعی و مقتضیات زمان ما چه می‌گویند؟ آیا همچنان در زمانه ما این مردان هستند که بار معاش خانواده را بر دوش می‌کشند؟ آیا همچنان زنان، خانه نشین و به دور از تحولات اجتماعی هستند؟ آیا کسی هست که بتواند منکر نقش حضور اجتماعی زنان در پیروزی انقلاب و تحولات پس از آن باشد؟ کیست که بتواند ثابت کند جامعه امروز همان اجتماعی است که قرن‌ها قبل احکام فقهاء بر مبنای شرایط آن تنظیم شده؟ همان طور که بسیاری از اندیشمندان و پژوهشگران گفته‌اند بسیاری از احکام اجتماعی اسلام، امضایی هستند یعنی احکام اجتماعی که پیامبر اکرم (ص) آوردند، متکی به عرفیات جامعه بوده و عمدتاً به کار فصل خصومات می‌آمد. مورخان و فقها گفته‌اند که ۹۹ درصد احکام اسلام امضایی است و در جامعه عربی سابقه داشته‌اند (چنانکه دکتر جواد علی، در کتاب مهم خود *المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*، به شرح آورده است). یعنی پیامبر بر همان

آدابی که در جامعه عربی جاری بوده صحه گذاشته و به آنها مشروعیت بخشیده و با تغییرات و تعدیلاتی به درون شرع اسلام آورده است.<sup>(۸)</sup> در قرآن کریم فقط در امور اجتماعی بین زنان و مردان تفاوت هست (موضوع حکم قرآن در امور مدنی، جامعه بشری عصر نزول است. موضوع که عوض شود، حکم نیز عوض می‌شود)<sup>(۹)</sup> در امور عبادی، اخلاقی، جزایی و آیات مربوط به آفرینش تفاوتی بین زن و مرد نیست.

و حتی بر فرض صحت کلیه روایات و احادیثی که مبنای قوانین و مقررات متفاوت نسبت به زنان قرار گرفته‌اند، کیست که منکر وجود و لزوم احکام ثانویه در نظام فقهی و حقوقی اسلام باشد؟ آیا راه اجتهاد در فقه شیعه بسته شده است؟ آیا پویایی فقه شیعه، که همواره مایه مباهات شیعه بوده و هست، در حیطة حقوق زنان باید با گرایش‌های مردسالارانه به دست فراموشی سپرده شود؟ به عنوان مثال در قرآن کریم آیات بسیاری هست که جهت تنظیم روابط مولا و بنده نازل شده‌اند اما به جهت برافتادن بردگی در جهان، مورد اجرای خود را از دست داده‌اند و اسلام به خوبی توانسته است در این قلمرو، نظام حقوقی خود را با مقتضیات زمان و تحولات جهانی هماهنگ کند. همچنین است موضوع دیه اقلیتها. اما چرا در قلمرو حقوق زنان هرگاه سخن از اصلاحات می‌شود این‌گونه با آن مخالفت می‌شود و از نفی ضروریات و واجبات دین سخن می‌رود؟ آیا اینگونه مخالفتها و بستن راه و امکان هرگونه تغییر و اصلاح در وضعیت حقوقی زنان، شائبه غرضمند بودن این مخالفتها را در ذهن بر نمی‌انگیزد؟

به هر تقدیر «چراها» و «اماها» در این زمینه بسیارند، گرچه پاسخگویی به آنها کار چندان دشواری نیست. اینک که هنوز بحث الحاق یا عدم الحاق ایران به کنوانسیون ریشه‌کنی نابرابری علیه زنان در جریان است و در مورد آن بسیار گفته و نوشته می‌شود، نویسنده معتقد است که اگر جمهوری اسلامی ایران در صدد ایجاد تحولی در وضعیت حقوقی زنان است و مایل است بهبودی در این وضعیت ایجاد کند بهتر است پیش از آنکه به سراغ کنوانسیون برود و با حجم عمده تناقضهای داخلی روبه‌رو شود، نخست به سراغ قوانین و مقررات داخلی برود و اصلاح آنها را مورد بررسی قرار دهد. بی تردید در این راه فقهاء و مجتهدین می‌توانند با به کارگرفتن پویایی فقه شیعه، در نظر داشتن مقتضیات زمان

و کنار گذاشتن تعصبات مرد سالارانه کهن، دولت را در راه پیاده کردن یک نظام حقوقی عادلانه نسبت به زنان یاری کنند. پس از آن و وقتی قوانین داخلی تا حد امکان و تا آنجا که روح دین اجازه می‌دهد اصلاح شد، می‌توان در مورد الحاق به کنوانسیون تصمیم‌گیری کرد: زیرا در این صورت دیگر موارد تضاد قوانین داخلی با کنوانسیون قابل توجه نخواهند بود.

در گذشته فرشته دادگری را نابینا تصویر می‌کردند. حتی امروز هم در همه تصاویری که از فرشته دادگری نقش می‌شود، او را در حالی تجسم می‌کنند که با چشمان بسته، در دستی ترازو و در دست دیگر شمشیری برهنه دارد تا با ترازوی دادگر خود امور را بسنجد و بی آنکه با دیدن مجرم و شرایط او تحت تأثیر قرار گیرد، وی را مجازات کند. اما امروز بی تردید فرشته دادگری نابینا نیست. او با چشمان کاملاً باز، با ترازوی دادگر خود امور را می‌سنجد و آنگاه در مورد لزوم یا عدم لزوم کاربرد تیغ خود تصمیم می‌گیرد و این همان چیزی است که از فرشته دادگری انتظار می‌رود. اینک در دادگاه تصمیم‌گیری درباره حقوق زنان و «حق» یا «ناحق» بودن برقرار کردن برابری بین زنان و مردان، این فرشته دادگری است که باید با چشمانی کاملاً باز و با در نظر گرفتن مقتضیات زمان و مکان، اوضاع را به سنجه دادگری بسنجد و آنگاه فرود آوردن یا نیاوردن شمشیر نابرابری را تصمیم بگیرد. ❖

### پی‌نوشتها:

1. Hilka Pietila, *Engendering the Global Agenda: The History of Women and the United Nations*, UN Non- governmental liaison service, 2002, pp. 1-6.

2. *Ibid*, pp. 9-12.

۳. لازم به توضیح است که مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۰ پروتکلی راجع به ممانعت، سرکوب و مجازات داد و ستد اشخاص به ویژه زنان و کودکان به تصویب رساند. این پروتکل که مکمل کنوانسیون ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی است در ۲۵ دسامبر ۲۰۰۳، پس از تودیع چهلمین سند تصویب لازم‌الاجرا شد. این معاهده اینک به تصویب ۶۴ دولت و امضای ۱۱۷ دولت رسیده است. هدف پروتکل این است که با داد و ستد اشخاص مبارزه و آن را مجازات کند و همکاری‌های بین‌المللی علیه این داد و ستد را تسهیل کند. دولت‌های عضو باید داد و ستد اشخاص به ویژه زنان و کودکان را با هدف وادار کردن آنها به کار، خدمتکاری، بردگی، یا فحشا یا هر هدف دیگر صورت می‌گیرد جزو جرایم جنایی تلقی کرده و آن را تعقیب و مجازات کنند.

4. RES.1325, XLIV

۵. مهدی ریسی، کنوانسیون زنان: بررسی فقهی و حقوقی الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی

ایران به کنوانسیون ریشه‌کنی هرگونه نابرابری علیه زنان، قم: نشر نسیم قدس، زمستان ۱۳۸۲

۶. کلیه مندرجات این قسمت تلخیصی از مطالب کتاب کنوانسیون زنان: موانع فقهی و حقوقی

الحاق یا عدم الحاق جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون ریشه‌کنی هرگونه نابرابری علیه زنان نوشته مهدی ریسی است که در پانویشت پیشین مشخصات آن ذکر شده است.

۷. برای اطلاع از فهرست کشورهای مسلمان که عضو کنوانسیون شده‌اند و حق شرط‌های آنها

بنگرید به: همان، صص ۲۲-۱۶.

۸. محمد بسته‌نگار، حقوق بشر از منظر اندیشمندان، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۰، مقاله

«آیا نابرابری‌های حقوقی جزء ذاتیات اسلامند یا جزء عرضیات؟»، دکتر عبدالکریم سروش، صص ۳۴۱.

۹. همان، مقاله «نظریه قرآن درباره مساوات زن و مرد»، سید محسن سعیدزاده، صص ۳۴۹.